

دو فصلنامه تفسیر پژوهی  
سال چهارم، شماره هفتم  
بهار و تابستان ۹۶  
صفحات ۷۰-۴۵

## مفهوم‌شناسی دو واژه زوج و إمراة\*

محمد شریفی\*\*  
مریم صحرائی\*\*\*

### چکیده

در قرآن کریم، از همسر مرد، گاهی با لفظ «زوج» و گاهی با لفظ «إمراة» یاد شده که در ظاهر، مترادف به نظر می‌آیند. نتایج این پژوهش که با شیوه توصیفی-تحلیلی، انجام شده، حاکی از عدم ترادف بین این دو واژه است. شواهد نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین دو واژه زوج و إمراة وجود دارد و معمولاً هرگاه ناهماهنگی و عدم ایمان و یا نقضی در زوج یا زوجین، وجود داشته، لفظ إمراة، جایگزین زوج شده است. مهمترین مؤلفه‌های زوجیت، عبارتند از اعتقاد به خدای یگانه، سکونت و آرامش، مؤدّت و رحمت. عواملی از قبیل ارتداد، فوت و طلاق نیز باعث ابطال رابطه زوجیت می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** زوج، إمراة، مؤلفه‌های زوجیت، عوامل ابطال زوجیت.

\*- تاریخ دریافت: ۹۶۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۶۰۷/۱۳

\*\* استادیار دانشگاه مازندران (m.sharifi@umz.ac.ir)

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران (kosarevelagat87@gmail.com)

## مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم، از دو واژه زوج و إمرأه نام برده و در بعضی از آیات، این دو واژه به معنای همسر مرد آمده است؛ با این تفاوت که گاهی با واژه «إمرأة» و گاهی با واژه «زوج» بیان شده است. در این نوشتار، ضمن تحلیل و واکاوی مفهوم دو واژه زوج و إمرأة که در ظاهر، مترادف به نظر می‌آیند، به این سؤالات، پاسخ داده شده است: چه تفاوتی بین کاربردهای قرآنی زوج و إمرأه وجود دارد؟ مهمترین مؤلفه‌های زوجیت چیست؟ عوامل ابطال زوجیت کدامند؟ و چه تفاوتی بین إمرأة با إمرأت وجود دارد؟

## پیشینه تحقیق

در مقاله‌های «بازخوانی مفاهیم زوج و زوجیت در قرآن کریم» (بهارزاده، ۱۳۹۲ش) و «زنان در قرآن» (قائم‌منش، ۸۳-۱۳۸۲ش) اشاره‌هایی به این موضوعات شده است؛ ولی این نوشته‌ها به طور کامل، پاسخگوی سؤالات مطرح شده نیست و مسائلی چون زوجیت در قرآن یا زنان در قرآن را مطرح کرده‌اند؛ در حالی که در پژوهش پیش‌رو، نگاه محض و تخصصی به دو کاربرد زوج و إمرأة و تفاوت‌های بین این دو است و سعی می‌کند به سؤالات فوق با استناد به آیات قرآن، پاسخ دهد.

### ۱- مفهوم‌شناسی «زوج» و «إمرأة»

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زوج، فقط یک ریشه لغوی به معنای مقارنه و نزدیکی دارد و برای مرد و زن به کار می‌رود؛ ولی هنگامی که در کنار واژه بعل یا یک ضمیر مذکر به کار رود، تنها به معنای همسر مرد است. «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ

الْحَيَّة...» (بقره، ۳۵) (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ماده زوج). برای زوج، معانی دیگری هم گفته شده است: جفت، صنف، هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و غیر حیوانات و هر یک از افراد یک جفت مشابه که فاقد جنسیت باشند مثل یک جفت کفش و نعل (زیبیدی، ۱۳۶۹ش، ماده زوج؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ماده زوج)؛ زن مرد و شوهر زن (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ماده زوج؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ماده زوج).

به اعتقاد فراهیدی، واژه زوج در وضع اولیه‌اش به معنای قرین، همراه و همنشین است و به هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث در حیوانات، زوج و به هر دوی آنان زوجان می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ماده زوج). مصطفوی، زوج را مقارنت چیزی با چیز دیگر دانسته است. از نظر او، زوج، همسر زن و یا همسر مرد و یا هر چیزی که برای او نظیری باشد مانند اصناف والوان و یا برای او نقیضی باشد مانند تر و خشک، روز و شب، شیرین و تلخ، قرین و یار، به آن زوج اطلاق می‌شود. وی در جمع‌بندی معنای لغوی زوج، گفته است که اصل در زوجیت، اقتران و کنار هم قرار گرفتن دو چیز است که در تداوم هستی‌شان بر اساس برنامه‌ای معین و سیر حرکتی ویژه، همراه و معادل و مقارن یکدیگرند؛ اعم از اینکه بار جنسیتی مذکر و مؤنث داشته باشند؛ مانند حیوانات و انسان یا فاقد جنسیت باشند؛ مانند شب و روز و.. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ماده زوج).

بنابراین می‌توان گفت زوج به معنای دوتایی شدن، با هم جمع شدن اصناف مختلف و متنوع یک گروه است. به عبارت دیگر، به هر یک از دو چیز که همراه و قرینه هم باشند (مذکر و مؤنث) و یا مقارن و شبیه یکدیگر (یک جفت کفش) و یا مقارن و ضد یکدیگر (شب و روز) باشند؛ چه بار جنسیتی مذکر و مؤنث داشته باشند یا فاقد جنسیت باشند، زوج اطلاق می‌شود. بر اساس این تعریف، می‌توان گفت تمام

آفریدگان عالم، زوج است؛ از جهت این که برای هر چیز یا نقیض یا نظیر یا قرینه‌ای است و یا چیزی در ترکیب آن وجود دارد که مانع فرد بودن و قائم به نفس بودن اوست. عموم عرب‌زبانان، واژه «زوج» برای جنس مؤنث را با «هَاء» بصورت «زوجه» استعمال می‌کنند؛ ولی فصیحان برای جنس مؤنث همانند مذکر، واژه «زوج» اطلاق می‌کنند؛ نه «زوجه»؛ زیرا به اعتقاد آنها، این کلمه، اسم است؛ نه وصف. از این رو، تأیید نمی‌پذیرد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ماده زوج). اطلاق عنوان «زوج» بر همسر مرد به این اعتبار است که زن و مرد، هر کدام به انضمام دیگری زوج می‌شوند؛ به همین لحاظ است که زوج مؤنث نیز در قرآن به «أزواج» جمع بسته شده است؛ نه «زوجات» (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ۳/۳۲۵) «...و لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ...» (بقره، ۲۵).

در مورد واژه «إمرأة»، اکثر لغت‌شناسان، این واژه را از ریشه‌ی «مرء» و «إمرأة» را مؤنث امرئ دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ماده مرء؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ماده مرء؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ماده مرء؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ماده مرء). «مرء» و «إمرء» به دو معنای انسان و مرد آمده است. «یوم یفرُّ المرءُ من أخیه. و أمه و أبیه و صاحبته و بنیه» (عبس ۳۶-۳۴). در این آیه و نیز آیه «ما یفرقون به بین المرء و زوجته» (بقره: ۱۰۲)، مراد از «مرء» به قرینه «صاحبته»، مرد است؛ ولی در آیات «یوم ینظر المرء ما قدمت یداه» (نبا، ۴۰) و «و اعلموا أن الله یحول بین المرء و قلبه» (انفال، ۲۴)، مراد از «مرء»، مطلق انسان است. «إمرأة» و «مرأة» مؤنث «مرء» و «إمرء» به معنی زن است. «إذ قالت امرأت عمران رب إني نذرت لك ما فی بطنی محرراً» (آل عمران، ۳۵)؛ «...و كانت إمرأی عاقراً...» (مریم، ۵)؛ ولی «مرأة» در کلام الله نیامده است (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ ق، ماده مرء؛ ازدی، بی‌تا، ماده مرء).

«نساء، نسوان و نسوة» به معنای زنان، جمع‌های مکسری هستند که از جنس خود مفرد ندارند؛ لذا برای مفرد آن لفظ «امرأة» را به کار می‌برند (فیومی، ۱۴۱۴، ق، ماده مرء).

مصطفوی، معتقد است «مرء» به مردی گفته می‌شود که دارای خصوصیاتی همچون، صلابت، جوانمردی، استقلال و... باشد و در صورتی که «امرأة» به شکل منفرد ذکر شود و به همراه نام مرد نباشد، دارای خصوصیاتی مانند «مرء» است (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ماده مرء).

بررسی آیاتی از قرآن که در آن «امراه» به کار رفته است نشان می‌دهد که این واژه، گاهی در تقابل با رجل بکار رفته و معنای مطلق زن می‌دهد و گاهی به معنای همسر مرد آمده است. «امرأة» در قرآن به شکل مفرد و مثنی آمده است و به شکل جمع به کار نرفته است.

## ۲- وجوه معنایی زوج در قرآن

واژه «زوج»، ۸۱ بار در قرآن به کار رفته که ۵ مورد آن به شکل ساختار فعلی در باب تفعیل و مابقی در ساختار اسمی به صورت مفرد، مثنی یا جمع آمده است. معانی واژه زوج در آیات مختلف قرآن به شرح ذیل است:

### ۲-۱- نوع و صنف

در آیه «...وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...» (رعد، ۳) زوجین به معنای انواع آمده است؛ یعنی از جمیع میوه‌هایی که ممکن است وجود یابد، در زمین انواع متخالف و مختلفی از حیث نوع، از حیث تابستانی و زمستانی، از حیث شیرینی و

غیر آن، و از حیث تری و خشکی آن قرار داد. (طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۲۹۲/۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۲۳/۶).

در آیه «وَ آخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ» (ص، ۵۸) نیز ازواج به معنای انواع به کار رفته است؛ به این معنی که اقسام و انواع دیگری از عذاب از شکل و جنس آن یعنی رنگ‌ها و انواع مشابهی که در شدت شبیه بوده و دارای نوع واحدی نیستند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۵۳/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۲۱۹/۱۷) و در آیه «...وَ أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى» (طه، ۵۳). مراد از ازواج بودن نباتات، انواع و اصناف داشتن آن است (طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۱۷۱/۱۴).

همچنین در آیه «وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» (واقعه، ۷)، زوج به معنای صنف و گروه است. یعنی شماها به سه گروه، تقسیم می‌گردید و ازواج سه‌گانه یعنی اصناف سه‌گانه، و خطاب در این جمله که می‌فرماید: در آن روز شما اصنافی سه‌گانه خواهید بود، به عموم بشر است (طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۹۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۳۹/۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۲۱۶/۴).

در آیه «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر، ۸۸). مقصود از ازواج، مردان و زنان و یا اصناف مردم است، مانند صنف بت‌پرستان و صنف یهود و صنف نصاری و صنف مجوس و معنای آیه این است که: چشم از آنچه که ما از نعمت‌های ظاهری و باطنی به تو انعام کرده‌ایم بر مگیر، و با حسرت به آنچه که به اصنافی از کفار داده‌ایم خیره مشو (طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۱۹۲/۱۲). دامغانی نیز در کتاب الوجوه و النظائر، زوج را در آیات ذیل به معنای صنف آورده است (هود، ۴۰؛ شعرا، ۷، ۲۶؛ فاطر، ۱۱؛ نجم،

مفهوم‌شناسی دو واژه زوج و امرأة ۵۱

۴۵؛ قیامة، ۳۹؛ انعام، ۱۴۳؛ یس، ۳۶؛ حج، ۵؛ مؤمنون، ۲۷؛ لقمان، ۷۰؛ ق، ۷؛ ذاریات، ۴۹) (دامغانی، ۱۴۱۶ق: ۱/۹۹).

## ۲-۲- قرین

منظور از «ازواج» در آیه «اَحْشُرُوا الَّذِیْنَ ظَلَمُوا وَ اَزْوَاجَهُمْ وَ مَا كَانُوا یَعْبُدُونَ» (صافات، ۲۲)، همسران ظالمان نیست؛ هر چند که همسر نیز می‌تواند از مصادیق آن باشد؛ بلکه به معنای «همراهان، هم‌دیفان، همفکران و هم‌هدفان» است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۴/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵۰۰/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۳۰/۸). و همنشینان آنان، اقتدا کنندگان به آنها در افعالشان هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۵). بنابراین نفوس صالحین به حورالعین قرین می‌شود و نفوس طالحین به شیاطین قرین می‌شود؛ پس قرین ظالمین، شیاطین هستند (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۳۰۷/۲).

همچنین در آیه «كَذَلِكَ وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِیْنٍ» (دخان، ۵۴)، مراد از تزویج اهل بهشت با حوریان، این است که اهل بهشت، قرین حوریان هستند؛ چون این تزویج به معنای ازدواج اصطلاحی نیست؛ بلکه زوج در این آیه به معنای قرین و همنشین است (طباطبایی، ۱۳۹۲ش: ۱۴۹/۱۸). آیات (تکویر، ۷؛ طور، ۲۰) نیز از این قبیل است.

## زوجیت

زوج در آیه «... وَ تَرَى الْاَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَا اُنزِلْنَا عَلَیْهَا الْمَاءَ اهْتَرَّتْ وَ رَبَّتْ وَ اَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ؛ پس هرگاه که باران را بر آن فرو فرستید به حرکت درآید و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا را می‌رویاند» (الحج، ۵) به زوجیت همه ممکنات اشاره دارد. خداوند در بعضی از آیات قرآن، همچون آیه «مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِیْنٍ لَعَلَّكُمْ

تَدَكْرُونَ» (ذاریات، ۴۹). اعلام داشته است که زوجیت در همه‌ی مظاهر هستی و عناصر مادی و غیر مادی، وجود داشته و تمام موجودات امکانی مرکب بوده و از دو چیز تحقق پیدا کرده است. پیشرفت علم از زمان نزول قرآن تاکنون زوایایی از چگونگی خلقت بر انسان را آشکار کرده است؛ ولی حقایق علمی زیادی وجود دارد که قرآن به آن اشاره کرده است و هنوز، بشر به هیچ طریق از راه‌های علمی، از آن‌ها باخبر نشده است و بعید نیست که خداوند در دل زمین و قعر دریاها حیوان‌ها و جمادهایی را آفریده باشد و برای انسان از طریق علم راهی برای شناخت آنها قرار نداده باشد (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۹/۳).

در آیه «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَدَكْرُونَ» (ذاریات، ۴۹) منظور، زوج بودن همه‌ی موجودات عالم است؛ مانند آسمان و زمین، شب و روز، مجردات و غیر مجردات، انسان‌ها، گیاهان و تمام ذره‌های موجودات امکانی. امام رضا(ع) در این خصوص فرمودند: «خداوند، اشیای جهان را متضاد آفریده تا روشن شود که برای او، ضدّی نیست و آنها را با هم قرین ساخته تا معلوم شود قرینی برای او نیست، نور را ضدّ ظلمت و خشکی را ضدّ تری و خشونت را ضدّ نرمش، و سرما را ضدّ گرما قرار داده است؛ در عین حال، اشیاء متضاد را جمع کرده و موجودات نزدیک به هم را از هم جدا نموده تا این جدایی، دلیل بر جداکننده و آن پیوستگی، دلیل بر پیوند دهنده باشد و این است معنی آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَدَكْرُونَ» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۳/۵).

می‌توان گفت در مسأله زوجیت عمومی اشیاء، همزمان بودن یا هم مکان بودن هر دو زوج ملاک نیست. پر واضح است که همه اشیاء از جوهر و عرض، ماده و صورت، ترکیب شده و مصنوع بوده و از قانده ترکیب خارج نیستند و هر مصنوعی



سازنده‌ای دارد و این امر خود تنبیهی است بر این که فقط خداوند، فرد است؛ چون از حکم مصنوع خارج است. پس تنها خداست که زوج نیست؛ چون شریک و نظیر و نقیض ندارد و از کلیه صفات مخلوقات، منزّه است.

### ۲-۳- زوج به معنای همسر انسان (اعم از مرد یا زن)

در آیه «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ» (فاطر، ۱۱). منظور از «أزواج» همسر انسان است. این آیه شریفه به خلقت انسان اشاره می‌کند که خدای تعالی نخست او را از خاک که منظور از آن، آفرینش (نخستین) آدم است، آفرید و سپس (سالله) او را از نطفه خلق نمود و سپس زوجیت را بین آنان تقدیر کرد و بعضی را همسر بعضی دیگر قرار داد. و هیچ ماده‌ای حامله نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم خدا و هیچ سالخورده‌ای عمر طولانی نمی‌کند و هیچ مقداری از عمرش کم نمی‌شود مگر آنکه همه در کتابی ثبت است و این کار بر خدا آسان است (طوسی، بی‌تا: ۴۱۸/۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ۲۱/۱۷).

### ۲-۴- زوج به معنای شوهر زن

در ۲ آیه از قرآن کریم، واژه «زوج» بر مرد یعنی شوهر زن، اطلاق شده است که در این آیات از روی سیاق به بار جنسیتی مذکر در زوج بی می‌بریم؛ مانند «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ...» (بقره، ۲۳۲). در این آیه از واژه نساء و ضمائر موجود در می‌یابیم که کلمه «أزواج» به معنای شوهران است؛

مخصوصاً که ضمیر «هن» به أزواج متصل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۵۸۳/۲). همچنین در آیه «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي...» (مجادله، ۱) از مرجع ضمیر «ها» در زوجها به مذکر بودن زوج پی می‌بریم. این آیه به گفته اغلب مفسران درباره زنی به نام «خوله» که توسط شوهرشظهار (حرام کردن زن بر خود به شکلی که گفته شود تو بر من مانند پشت مادر من هستی) شده بود، نازل شد وظهار را که رسم جاهلیت بود، منسوخ نمود و اعلام کرد آنچه در هنگامظهار، بر زبان آورده شود، دروغ است، و مادر، کسی است که شما را زاییده و به وسیله‌ی طلاق، زن و مرد بر هم حرام می‌شوند، و حکم کفاره برایظهار کننده گذاشته شد که دیگر کسی این سخن را بر زبان نیاورد (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ۳۷۱/۹؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق: ۲۵۷/۴).

## ۲-۵- زوج به معنای همسر مرد

دسته‌ای دیگر از آیات قرآن از واژه زوج با بار جنسیتی مؤنث به عنوان زن یا همسر مرد یاد کرده است. در آیه «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ...» (انبیاء، ۹۰) از کلمه یحیی که فرزند زکریای پیامبر است و ضمیر «ه» در زوجه که به زکریا برمی‌گردد می‌فهمیم که زوج در اینجا همسر زکریا است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۹۶/۷؛ بحرانی، ۱۴۱۷ ق: ۸۳۵/۳). یا در آیه «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ...» (احزاب، ۳۷) ضمیر «ک» در زوجک، به «زید» پسر خوانده پیامبر (ص) برمی‌گردد؛ پس منظور از همسر تو، همسر زید است (طوسی، بی‌تا: ۴۸۴/۵). به همین ترتیب در سوره‌های (احزاب ۵۰؛ نساء ۲۰،

۱۲؛ بقره، ۳۵، ۲۳۴؛ اعراف، ۱۸۹، ۱۹؛ طه، ۱۱۷؛ زمر، ۶؛ یس، ۵۶) واژه زوج در معنای زن و همسر مرد به کار رفته است.

### ۳- وجوه معنایی إمرأة در قرآن

واژه إمرأة در قرآن، تنها به یک معنا و آن هم به معنای زن به کار رفته است؛ البته با این تفاوت که در بعضی از آیات به عنوان انسان مؤنث در مقابل انسان مذکر به کار رفته است؛ مثل ملکه بالقیس: «إِنِّي وَجَدْتُ إِمْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل، ۲۳)؛ دختران حضرت شعیب (قصص، ۲۳)؛ دو شاهد زن (بقره، ۲۸۲)؛ زن مؤمنی که خود را به پیامبر ببخشد (احزاب، ۵۰) و در آیات دیگر، «إمرأة» به معنای زن که همسر مردی است بکار رفته «وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (مسد، ۴).

واژه «إمرأة» ۲۳ بار در قرآن به کار رفته است که ۵ بار به عنوان انسان مؤنث و در بقیه موارد به عنوان همسر مرد به کار رفته است (مریم، ۵، ۸؛ آل عمران، ۳۵، ۴۰؛ ذاریات، ۲۹؛ نساء، ۱۲؛ یوسف، ۵۱، ۲۱؛ نمل، ۵۷؛ قصص، ۹؛ تحریم، ۱۰، ۱۱، ۹؛ هود، ۸۱، ۷۱؛ عنکبوت، ۳۲، ۳۳؛ اعراف، ۸۳؛ حجر، ۶۰).

### ۴- مؤلفه‌های اطلاق زوجیت در انسان از نگاه قرآن

وقتی قرآن از انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، یاد می‌کند، قطعاً نگاه او در رابطه با زوجیت انسان نسبت به سایر موجودات، متفاوت خواهد بود. همچنان که در آیه ۲۱ سوره روم در مورد هدف انسان و اهمیت ازدواج در تشکیل خانواده می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱).

بنابراین رابطه زن و مرد، باید بر اساس آرامش حکیمانه، استوار باشد؛ نه ارضای غریزه محض و این اصالت دادن به بنیاد خانواده است و گرنه، هر نر و ماده‌ای، تلقیح، ثمر بخشی یا تولید مثل دارند؛ حیوان، گیاه، و انسان. از این رو، ذات اقدس الهی، مودت عقلی و ایمانی و گذشت عاقلانه از اشتباهات یکدیگر را محور تشکیل خانواده پایدار می‌شناسد. چنین دوستی‌ای موجب آرامش قلب می‌شود؛ چون قلب، تنها در پرتو امور معنوی آرام می‌گیرد. زن، مایه سکونت مرد است. راز نامگذاری منزل به مسکن نیز همین است که زن در آن جا به سر می‌برد و مایه آرامش مرد است؛ نه این که جسم در خانه آرام گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش: ۴۸۷/۳۱). از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، فعل‌هایی که از ریشه سکن هستند هرگاه با «فی» به کار روند آرامش بدن (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ...) (یونس، ۶۷) و هرگاه با «إلی» همراه شوند آرامش قلب و بعد معنوی را مد نظر دارند. (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...) (روم، ۲۱) (همان، ۴۸۸).

شهید مطهری، علاقه زوجیت در انسان را متفاوت از علاقه به اشیاء دانسته و معتقد است علاقه‌ای که انسان به اشیاء دارد، از خودخواهی او ناشی می‌شود. انسان، اشیاء را برای خود می‌خواهد، به چشم ابزار به آن‌ها نگاه می‌کند و می‌خواهد آن‌ها را فدای خود و آسایش خود کند؛ اما در علاقه زوجیت، هریک از زوجین، سعادت و آسایش دیگری را می‌خواهد و از گذشت و فداکاری درباره دیگری لذت می‌برد (مطهری، ۱۳۵۷ش: ۱۷۹) و نیز می‌گوید: «چه قدر اشتباه است که، تاریخ روابط زن و مرد را، بر پایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم» (همان، ۱۸۰).

بنابراین، سکونت و آرامش قلبی، دوستی و مودت در سایه‌ی ایمان به خدا، به همراه رحمت و مهربانی که با گذشت و فداکاری، عجین شده باشد را می‌توان از مؤلفه‌های اطلاق زوجیت در انسان شمرد.

## ۵- مهمترین عوامل ابطال زوجیت

### ۵-۱- ارتداد

برای توضیح این‌که چگونه، ارتداد باعث ابطال رابطه زوجیت می‌شود، باید به این سؤال، پاسخ داده شود که اگر مرد و زنی که قصد دارند آرامش دهنده یکدیگر باشند، از نظر ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، هماهنگ نباشند، آیا می‌توانند رسالت خود را در زندگی مشترک، به خوبی انجام دهند و به رشد و تعالی یکدیگر کمک کنند؟ و آیا به آنان زوج، اطلاق می‌شود؟ با نگاهی به آیات کریمه‌ی قرآن، پاسخ این سؤالات به راحتی، به دست می‌آید.

خداوند متعال می‌فرماید: «...وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ..» (احزاب، ۵۰). تأملی در این آیه، نشان می‌دهد عامل اساسی و مهم در زوجیت، ایمان به خدای یگانه است. «لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَ لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ» (بقره، ۲۲۱). روایات و احادیث نیز این موضوع را کاملاً تایید می‌کنند. از دیدگاه روایات اسلامی، انسان مسلمان بعد از نعمت اسلام، هیچ فایده‌ای (از نعمت‌های الهی) نبرده است که بهتر از همسر مسلمان و شایسته باشد (ر.ک: حرّ عاملی، ۴۰۹/ق: ۲۳/۱۴). در همین راستا اگر به احکام فقهی باب ازدواج که برگرفته از قرآن هستند نگاهی بیاندازیم، گفته شده است ازدواج مسلمان با کافر، جایز نیست؛ چه بطور دائمی یا موقت. اما ازدواج موقت مرد مسلمان با زن اهل کتاب، مانند یهودی و مسیحی، جایز است (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۳۷۹؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۷ ش: ۶۱/۱).

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد هر جا مرد و زن، هم‌کفو بوده و از نظر اعتقاد به خدای یگانه، هماهنگ بوده‌اند، به آنان «زوج» اطلاق شده و در صورتی این رابطه منتفی شده که ناهماهنگی یا نقضی بین زوجین ایجاد شده است؛ در این حالت، واژه

«إمرأه» جایگزین «زوج» می‌شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، به آیاتی از قرآن استناد می‌شود: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ» (تحریم، ۱۰). همسر لوط و همسر نوح کافر بودند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۰ / ۳۴۱). بنابراین جای «زوج» امرات به کار رفته است و در آیات دیگری از زن عزیز مصر (یوسف، ۵۱) و زن ابولهب (مسد، ۴) نیز به دلیل عدم ایمان با لفظ امرات یاد شده است و به همین ترتیب از زن فرعون (قصص، ۹) که زن با ایمانی بود، به دلیل کافر بودن همسرش فرعون، از لفظ امرات استفاده شده است.

از نگاه قرآن در تحقق رابطه زوجیت، ایمان هر یک از زوجین شرط است؛ و اعتقاد نداشتن به خدای یگانه، باعث منتهی شدن رابطه زوجیت می‌شود. برخی، این عامل را تحت عنوان تباین در عقیده ذکر کرده‌اند (بنت الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰). به نظر می‌رسد این عنوان، دقیق نباشد؛ زیرا چنین برداشت می‌شود که اگر زوجین، هر دو، کافر باشند؛ چون در عقیده هماهنگ هستند، پس زوجیت، تحقق یافته است؛ در صورتی که ابولهب و همسرش هر دو کافر بودند و خداوند در قرآن به آنان زوج اطلاق نکرده است. مطابق احکام فقهی، اگر یکی از زوجین یا هر دو از دین برگردند و مرتد شوند ازدواج، خود به خود باطل می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵ش: ۳۸۵؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۷ش: ۶۱/۱؛ راشدی، ۱۳۸۶ش: ۱۳۲۵). بنابراین با مرتد شدن زن یا مرد مسلمان، علقه زوجیت از بین می‌رود و زن و شوهر به هم نامحرم می‌شوند (صانعی، ۱۳۸۲ش: ۴۵۸).

## ۵-۲- فوت

با توجه به مباحث پیشین، شاید این سؤال مطرح شود که چرا در مورد همسر عمران، از واژه امرات استفاده شده در صورتی که عمران و همسرش، مؤمن به

خدای یگانه بودند. «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران، ۳۵). در پاسخ به این سؤال، باید گفت: حنه، همسر عمران در زمان بارداری، همسرش را از دست داده بود (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۳۷/۲). به همین دلیل، همسر عمران، به تنهایی درباره فرزند خود در رحمش تصمیم گرفت و نذر کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۳۷/۱۴)؛ به نظر نگارنده و با توجه به دیدگاه مفسران مذکور به نظر می‌رسد با فوت عمران، زوجیت، منتفی شده و از لفظ امرأت برای همسر عمران استفاده شده است. طبق آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره، ۲۳۴) که شوهرانشان می‌میرند باید چهار ماه و ده روز، خود را حفظ کنند و پس از پایان یافتن عدّه وفات به تصمیم پسندیده‌شان درباره خود عمل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۳۹۳/۱۱).

### ۵-۳- طلاق

نازایی، نقصی است که در قرآن به دلیل وجود آن، «زوج» به «امرأه» تبدیل شده است؛ زیرا یکی از اهداف زوجیت، تداوم نسل است؛ همچنان که گفته شده است تداوم نسل و توالد از اهداف زوجیت در تمام موجودات زنده اعم از گیاهان و حیوانات است و تنها مختص به انسان نیست (بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰).

در مورد عامل نازایی که محل بحث است؛ دو گروه آیات وجود دارد؛ در دسته‌ای از آیات، مثل آیه‌ی «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم، ۵) حضرت زکریا از همسر خود با واژه «امرأتی» نام می‌برد. همچنان که آیه، نشان می‌دهد زکریا از این که همسرش نازا است و فرزندی ندارد که

وارث او و در واقع وارث آل یعقوب شود تا دین را حفظ کند، نگران بوده و از این ترس داشته که عموزاده‌هایش که از بنی اسرائیل بودند، وارث او گردند و نسبت به مردم خیانت کرده و دین و دنیای آنان را به تباهی بکشند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۲/۶۲۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۵/۱۶۹؛ طوسی، بی‌تا: ۲/۴۴۹). بنابراین احساس نیاز به داشتن فرزند می‌کند و از خداوند، می‌خواهد به او فرزندی ببخشد. و به دلیل همین کمبود و نقصی که وجود دارد، واژه «امراة» به جای «زوج» به کار رفته است و خداوند هم درخواست زکریا را اجابت کرده و چون این نقص برطرف می‌شود، «زوج» جای «امراة» به کار می‌رود. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَ اَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنا رَغْبًا وَ رَهْبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء، ۹۰). در آیه «وَ اَمْرًا تُهٗ قَائِمَةٌ فَصَحَّحَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاسْحَاقَ وَ مِنْ وَّرَآءِ اِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود، ۷۱) نیز خداوند به ساره همسر حضرت ابراهیم (ع) بشارت فرزندى به نام اسحاق و بعد از آن، نوه‌اش یعقوب را می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲/۱۵۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴/۲۴۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۲/۴۴). حضرت ابراهیم از همسر دیگرش هاجر فرزند داشت (اسماعیل) ولی ساره فرزندی نداشت و آرزوی داشتن پسری داشت و برای آن که سنش به پیری رسیده بود، از بچه‌دار شدن مأیوس بود؛ بنابراین خداوند مهربان این بشارت را به ساره داد (رسعنی، ۱۴۲۹ق: ۳/۱۸۹). در اینجا نیز علت به کارگیری «امراة» به جای «زوج» همان نقص و کمبودی بود که ساره احساس می‌کرد.

با توجه به آیات مطرح شده، به نظر می‌رسد که هرگاه نقصان یا کمبودی از سوی زوج یا زوجین، احساس شود که در مسیر رسیدن به تعالی و آرامش درونی خللی ایجاد کند؛ کلمه زوج، جای خود را به امراة می‌دهد. یکی از موارد نقصان، احساس کمبود از جهت نداشتن فرزند است. همچنان که در آیه ۹۰ سوره انبیاء،



زکریا طبق نص صریح قرآن، از خداوند درخواست فرزند می‌کند و در آیه ۷۱ سوره هود، خداوند بشارت دادن فرزند را به ساره که طبق گفته مفسران، آرزوی فرزند داشته است را می‌دهد و در هر دو مورد، خداوند از فضل خود این موهبت را عطا کرده و فرایند زوجیت تکمیل شده است.

اما آیات دیگری وجود دارند که بر اساس آنها زوجین، فرزندى از یکدیگر نداشته‌اند؛ ولی خداوند به آنان، زوج اطلاق نموده است. آیه «وَ إِذِ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ...» (احزاب، ۳۷) درباره همسر زید است. زید، غلام خدیجه بود که خدیجه او را به پیامبر بخشید و توسط پیامبر، مسلمان شد و چون زید از طرف خانواده غیر مسلمان خود، طرد شده بود، پیامبر او را فرزند خوانده خود نامید و بعدها دختر عمه‌اش زینب بنت جحش را برای زید خواستگاری نمود. بعد از مدتی، زید به دلایلی، خواست همسرش را طلاق دهد که پیامبر به او فرمودند همسرت را نگه دار و تقوا پیشه کن (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ۲۲۵/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳/۳۱۷). با توجه به این که زید از همسرش زینب، بچه‌ای نداشت؛ ولی خداوند در این آیه واژه زوج را به کار برده است.

همچنین در مورد حضرت آدم می‌فرماید: «وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ...» (البقره، ۳۵). آدم و حوا در بهشت، فرزندى نداشتند؛ ولی به آنان نیز زوج اطلاق شده است و همچنین در سوره احزاب «لَنَبِيٍّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب، ۶). خداوند، کلمه «أزواجه» را برای همسران پیامبر به کار برده در صورتی که پیامبر فقط از حضرت خدیجه فرزند داشتند؛ البته ماریه قبطیه هم فرزندى به نام ابراهیم داشت که در همان کودکی از دنیا رفت و دیگر همسران پیامبر، هیچکدام فرزند نداشتند (قمی، ۱۳۸۴ ش: ۱/۱۹۱).

نکته قابل توجه، این است که در این آیات، مسئله «زوجیت»، محور و معیار اصلی سخن بوده و بحث بچه‌دار شدن، مطرح نیست؛ به همین دلیل از واژه زوج استفاده شده است نه إمراة. از این رو، می‌توان گفت هرگاه در قرآن از کلمه زوج، استفاده شده است رابطه زوجیت یا جفت بودن زن و مرد، محور و معیار سخن اصلی آیه بوده است که یا حکمت و آیتی را بیان می‌دارد و یا در مقام تشریح و تبیین حکمی است (بنت الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰) و این موضوع در آیات ذکر شده، صادق است؛ چه این که آدم و حوا بعد از آن، بچه‌دار شدند و در مورد همسران پیامبر و همسر زید که بچه نداشتند؛ این موضوع به صراحت، مورد درخواست طرفین نبوده است.

گرچه در تفاسیر به این نکته اشاره نشده است؛ اما به نظر می‌رسد؛ نداشتن فرزند، در صورتی، نقص محسوب می‌شود و در رابطه زوجیت، خلل ایجاد می‌کند که فرزند، مورد درخواست زوج یا زوجین باشد و به دلیل عقیم بودن یا عوامل دیگر، از این موهبت الهی بی‌نصیب بمانند. همچنان که در قانون فقهی هم این عامل، مستقیماً رابطه زوجیت را باطل نمی‌کند؛ بلکه بنا به درخواست زوج و از طریق طلاق، امکان‌پذیر است. در مورد نازایی نیز در صورتی که زوجین، احساس نارضایتی داشته باشند؛ با تصمیم به طلاق، رابطه زوجیت را ابطال می‌کنند. مطابق قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۵۳، بند ۱۳، ماده ۸). در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای دیگری، همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند، می‌توانند تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کنند و از این طریق طلاق بگیرند (قربانی، ۱۳۷۲ ق: ۱۳/۸).

بنابراین می‌توان عامل سوم ابطال زوجیت را طلاق معرفی کرد که از آن به عنوان منفورترین حلال‌ها یاد شده (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۲۹/۵-۳۲۸) و با اراده و خواست زوج یا زوجین انجام می‌شود. گرچه طلاق، ابغض المباحات است؛ لیکن

اگر میان زوجین، هیچ راهی برای سازش نباشد، چاره‌ای جز آن نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش: ۲۱/ ۷۷).

بنابراین، ارتداد، فوت و طلاق، از عوامل ابطال زوجیت هستند. در آیاتی که بررسی شد، خداوند درباره همسران لوط، نوح، فرعون، ابولهب، عزیز مصر، از واژه «إمراة» استفاده نموده است؛ چون شرط ایمان یا در هیچکدام وجود نداشته است (ابولهب و همسرش، عزیز مصر و همسرش) و یا یکی از همسران از این شرط برخوردار نبوده است (فرعون، همسر نوح، همسر لوط). یعنی چون در اعتقاد به خدای یکتا، همسو نبوده‌اند حتی با داشتن پیوند زناشویی، خداوند به آنان زوج اطلاق نکرده است. گاهی هم به دلیل احساس کمبود یا نقضی همچون نازایی (همسر زکریا، همسر ابراهیم) یا فوت یکی از زوجین (همسر عمران) در رابطه‌ی زوجیت خلل ایجاد شده و «إمراة» به جای «زوج» استفاده شده است.

## ۶- رابطه بین زوج و إمراة

بررسی آیات در خصوص کاربرد واژه زوج و إمراة در قرآن، نشان می‌دهد هرگاه مؤلفه‌های زوجیت، در زن و مرد وجود داشته، از لفظ زوج استفاده شده است و هرگاه نقصان یا ناهماهنگی در رابطه زوجیت ایجاد شده، لفظ أمرأة جایگزین زوج شده است. بنابراین زوجیت در انسان برای رسیدن او به آرامش و درجهت هدفی متعالی پایه‌ریزی شده است. هر عاملی که مانع رسیدن به این هدف باشد، در واقع، منتفی کننده رابطه زوجیت بوده و در این صورت، زوج جای خود را به إمراة می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت بین دو واژه زوج و إمراة، مترادف وجود ندارد. علاوه بر این، به اعتقاد برخی لغت‌شناسان، در یک زبان، هرگاه دو اسم درباره یک معنا به کار روند، باید گفت که هر یک، معنایی را اقتضا می‌کند که متفاوت با دیگری است و گرنه کلمه دوم، زاید بوده و به آن نیازی نخواهد بود (عسکری، ۱۴۲۱ق:

۱۱). با وجودی که در نگاه اول، این دو واژه، مترادف به نظر می‌رسند؛ ولی همچنان که گفته شد، هرگاه در قرآن از همسر با لفظ «إمرأة» یاد شده، نوعی نقص، ناهماهنگی یا خلل در رابطه زوجیت دیده شده است و هرگاه از واژه زوج برای همسر، استفاده شده است، رابطه زوجیت برقرار بوده است.

### ۷- تفاوت معنایی إمرأت با إمرأة

دقت در آیات قرآن نشان می‌دهد واژه «إمرأة» گاهی با هاء تأنیث(ة) و گاهی با تاء مبسوطه(ت) آمده که توجیه‌هایی برای، آن ذکر شده است:

۱- زرکشی معتقد است هرگاه قرآن کریم به ذکر فعلی از زن در ارتباط با شوهرداری، کیفیت مصاحبت یا مقارنت و روابط زناشویی پرداخته به طوری که اثر آن فعل یا رفتار، در ظاهر، محسوس و آشکار شده باشد (در مقام عمل، اثرش هویدا شده باشد)؛ لفظ «إمرأة» را با تاء مبسوطه (إمرأت) به کار برده است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۲/۴۳).

۲- به نظر می‌رسد در قرآن، «إمرأت» با تاء مبسوطه، به همراه نام شوهر ذکر شده است و این از اعجاز بیانی قرآن است که حتی تغییر در شکل یک حرف، هدفمند بوده و در معنای کلمه، تأثیرگذار است. در قرآن لفظ «إمرأت» با تاء مبسوطه در هفت موضع در مورد پنج زن بکار رفته است. همسر عمران (آل عمران، ۳۵)؛ همسر فرعون (قصص، ۹؛ تحریم، ۱۱)؛ همسر نوح (تحریم، ۱۰)؛ همسر لوط (تحریم، ۱۰)؛ همسر عزیز مصر (یوسف، ۳۰، ۵۱).

یکی از این زنان یعنی همسر عمران، هم در ظاهر و هم در باطن، با شوهر خود، همراه و هماهنگ بود. به همین دلیل، خداوند خواسته‌اش را برآورده کرد و ذریه پاک به او داد و او را گرامی داشت (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲/۷۳۷). حنه و عمران، نمونه‌ای

از ازدواج زن مؤمن با مرد مؤمن است که البته فوت عمران، علت منتفی شدن زوجیت بوده است و چهار زن دیگر در باطن از شوهران خود جدا بودند: یکی زن فرعون بود که در باطن از شوهر خود جدا بود. وقتی معجزه عصای موسی را دید به خدا ایمان آورد و پس از آن طاعت خدا می‌کرد و به او توکل داشت و از خدا می‌ترسید. به همین دلیل، خداوند او را نجات داد و گرامی داشت (طوسی، بی‌تا: ۵۵/۱۰). دو زن دیگر (زن لوط و نوح) از شوهرانشان در باطن جدا بودند و به شوهرانشان در دین خیانت می‌کردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ش: ۲۰۵/۱). واعله همسرش نوح را مجنون می‌خواند و داهله افراد بدکار را از حضور مهمانان همسرش لوط، با خبر می‌کرد. پس خداوند آن دو زن را به سبب کفرشان هلاک کرد (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۰۹/۲۸) و با وجودی که در ظاهر، همسر دو بنده خوب خدا بودند، این وصلت به آنان سودی نبخشید؛ همان‌طور که به زن فرعون، با وجودی که همسر خبیث‌ترین بندگان خدا بود، ضرری وارد نشد. یک زن هم (زن عزیز مصر) در پی کامجویی از غلام خویش بود و از هوی و شهوتش پیروی کرد و با وجودی که تمکن مالی و قدرت در دنیا داشت و با وجودی که محبوبش (یوسف) در خانه‌اش و در قبضه‌اش بود؛ ولی با وجود مکر عظیم به خواسته‌اش نرسید و نفعی نبرد همچنان که یوسف ضرری نکرد و خداوند او را از زندان نجات داد و به او قدرت و ثروت داد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۳۳۱/۲).

به اعتقاد زرکشی، هر کدام از این زنان، فعلی یا رفتاری در ارتباط با شوهرانشان انجام دادند که اثرات وجودی آن، ظاهر و محسوس بود؛ به همین دلیل «تاء» به شکل مبسوطه در إمرأت ظاهر شده است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۴۳/۲).

به نظر می‌رسد قرآن کریم هرگاه به ذکر فعلی یا رفتاری از زنان در خصوص شوهرداری و ارتباط با شوهر پرداخته به طوری که اثر آن فعل، محسوس و ظاهر بوده است، واژه إمرأة را با تاء مبسوطه (إمرأت) و به همراه نام شوهر ذکر نموده است.

### نتیجه

مؤلفه‌های زوجیت در انسان از دیدگاه قرآن کریم، عبارتند از: سکونت و آرامش، دوستی و مودت و ایمان به خدای یگانه.

زوجیت در انسان برای رسیدن او به آرامش و در جهت هدفی متعالی، پایه‌ریزی شده است. هر عاملی که مانع رسیدن به این هدف باشد، در واقع، منتفی‌کننده رابطه‌ی زوجیت است. در قرآن کریم، هرگاه از کلمه زوج استفاده شده، رابطه زوجیت یا جفت بودن زن و مرد، محور اصلی آیه بوده است. استفاده از لفظ «إمرأة» به جای «زوج»، حاکی از تفاوتی است که بین آنها وجود دارد. هرگاه ناهماهنگی و عدم ایمان و یا نقضی در زوج یا زوجین وجود داشته، لفظ إمرأة، جایگزین زوج شده است. همچنان که در مورد همسران ابولهب، نوح، لوط، عزیز مصر، فرعون، به دلیل عدم ایمان و در مورد همسران ابراهیم، زکریا و عمران وجود نقص (نازایی، فوت) باعث بکارگیری لفظ إمرأة به جای زوج شده است.

ارتداد، فوت و طلاق از عوامل ابطال زوجیت هستند؛ به عبارت دیگر، ایمان به الله از شروط لازم برای ازدواج است؛ به طوری که اگر بعد از ازدواج، زوج یا زوجین، این شرط را از دست بدهند و مرتد شوند؛ رابطه زوجیت، فسخ می‌شود. فوت یکی از زوجین نیز از عوامل ابطال زوجیت شمرده می‌شود و طلاق، بنا به درخواست زوج یا زوجین انجام شده و به رابطه زوجیت را خاتمه می‌دهد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۴ش)، مترجم مهدی حجتی.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ (۱۳۶۹ش)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله؛ (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن (ابن عربی)، محقق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجمیل.
۴. ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، مصحح: محمد هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع دار صادر.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷. ازدی، عبدالله بن محمد؛ (بی تا)، الماء، مصحح: محمد مهدی اصفهانی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی
۸. بحرانی، سیدهاشم؛ (۱۴۱۷ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
۹. ثعلبی، احمد بن محمد؛ (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، محقق: ابی محمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۵ش)، تسنیم جلد ۱، محقق: علی سعیدبند، قم: اسراء.
۱۱. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۷ش)، تسنیم جلد ۱۴، محقق: عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء.
۱۲. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۰ش)، تسنیم جلد ۲۱، قم: اسراء.
۱۳. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۱ش)، تسنیم جلد ۳، قم: اسراء.
۱۴. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۲ش)، تسنیم جلد ۳۱، قم: اسراء.

١٥. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ (١٤٠٩ق)، وسائل الشیعه، مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
١٦. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ (١٤١٤ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
١٧. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ (١٤١٥ق)، نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
١٨. خمینی، روح الله؛ (١٣٨٥ش)، توضیح المسائل، مشهد: بارش.
١٩. دامغانی، حسین بن محمد؛ (١٤١٦ق)، الوجوه والنظائر لفاظ کتاب الله العزیز، محقق: محمد حسن زفیتی، قاهره: جمهوریه مصر العربیه.
٢٠. راشدی، لطیف و سعید؛ (١٣٨٦ش)، رساله توضیح المسائل نه مرجع، تهران: ماهان گستر.
٢١. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (١٣٧٤م)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم و محقق: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
٢٢. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله؛ (١٤٢٩ق)، رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، مکة: مکتبة الأسدی.
٢٣. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ (١٣٧٥ش)، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
٢٤. زبیدی، مرتضی؛ (١٣٦٩ش)، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: علی شیری، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی.
٢٥. زرکشی، محمد بن بهادر؛ (١٤١٠ق)، البرهان فی علوم القرآن، محققین: جمال حمدی ذهبی، یوسف عبدالرحمن مرعشلی، ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دارالمعرفة.
٢٦. صاحب بن عباد، إسماعیل؛ (١٤١٤ق)، المحيط فی اللغة، مصحح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
٢٧. صانعی، یوسف؛ (١٣٨٢ش)، مجمع المسائل استفتاآت، قم: میثم تمار.
٢٨. طباطبائی، محمد حسین؛ (١٣٩٠ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.



۲۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، محقق: ابوالقاسم گرگی، قم: حوزه علمیه.
۳۱. طبری، محمد بن جریر؛ (۱۳۵۶ش)، ترجمه تفسیر طبری، مصحح: حبیب یغمایی، تهران: توس.
۳۲. \_\_\_\_\_؛ (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفه.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن؛ (بی تا)، اثنبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. طبیب حسینی، سید محمود؛ (۱۳۹۲ش)، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. عبدالرحمن بنت الشاطی، عائشه؛ (۱۴۰۴ق)، الاعجاز الیسانی للقرآن، قاهره: دارالمعارف.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، محقق: محمد مخزومی و ابراهیمی سامرائی، قم: دارالهجرة.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد؛ (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجرة.
۳۸. قربانی، فرج الله؛ (۱۳۷۲ش)، مجموعه کامل قوانین و مقررات خانواده، تهران: فردوسی.
۳۹. قرشی بنایی، علی اکبر؛ (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۰. قمی، عباس؛ (۱۳۸۴ش)، منتهی الامال، محقق: گودرزی، حسین، مصحح: محمد رضا انصاری و محمد ترابیان فردوسی، قم: هجرت.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۴۲. مصطفوی، حسن؛ (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۷۰ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۴۳. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۷ش)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا.
۴۴. مغنیه، محمدجواد؛ (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی ایران.
۴۵. مقاتل بن سلیمان؛ (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی